

سالمندی بدون پشت‌وپناه

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد یک سوم جمعیت سال‌خورده کشور از شبکه حمایت‌های بیمه‌ای و حمایتی بی‌بهره‌اند

نیمی از سالمندان؛ محروم از چتر بازنشستگی

گفتیم که نزدیک به نیمی از جمعیت سالمند کشور، با مستمری ندارند یا به اندازه کافی مورد حمایت نیستند. اما چرا؟ پاسخ را باید در لایه‌های قوانین و سیاست‌های دهه‌های اخیر جست. مرور اسناد بالادستی و قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه، نشان می‌دهد که سالمندان معمولاً در ذیل گروه‌های آسیب‌پذیر یا در چارچوب صندوق‌های بازنشستگی دیده شده‌اند. انگار «سالمندی» چیزی جز «بازنشستگی» نیست، این درحالی است که مجموع بازنشستگان، از کارافتادگان و مستمری‌بگیران بالای شصت سال سه صندوق اصلی کشور تأمین اجتماعی، بازنشستگی کشوری و صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر حدود ۴۴ درصد از کل سالمندان کشور را تشکیل می‌دهند. اگر بازنشستگان سایر صندوق‌ها را نیز به این آمار اضافه کنیم، این پوشش به حدود ۵۴ درصد می‌رسد. یعنی نزدیک به نیمی از جمعیت سال‌خورده کشور، یا هرگز زیرپوشش بیمه نبوده‌اند یا به هر دلیلی، مستمری بازنشستگی دریافت نمی‌کنند، بااین حال قوانین برنامه توسعه کشور، بیشتر بر اصلاح ساختار صندوق‌های بازنشستگی، متناسب‌سازی حقوق و پایداری مالی این صندوق‌ها متمرکز شده و از نیازهای نیمی از سالمندان که در این صندوق‌ها جای ندارند، غفلت کرده است. این شکاف، در مشهد نیز به وضوح دیده می‌شود؛ از ۵۶۱ هزار سالمندی که در این شهر زیرپوشش دانشگاه علوم پزشکی هستند، فقط بخشی، زیرپوشش صندوق‌های بازنشستگی یا نهادهای حمایتی قرار دارند. گروهی از سالمندان مشهدی، نه مستمری بازنشستگی دارند و نه از حمایت‌های بهزیستی یا کمیته امداد برخوردارند. درست همان‌طور که گزارش مرکز پژوهش‌های ملی گوید «از هر سه سالمند، یک نفر به‌طور کامل از شبکه حمایت‌های بیمه‌ای و حمایتی بی‌بهره است.» می‌توان تخمین زد که از ۵۶۱ هزار سالمند زیرپوشش دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دست‌کم ۱۶۸ هزار نفر، بدون هیچ پشتوانه رسمی، با دوران کهولت دست و پنجه نرم می‌کنند.

سهم ناچیز زنان از مستمری بازنشستگی

شاید تلخ‌ترین بخش این گزارش، روایت شکاف جنسیتی در میان سالمندان و نابرابری جنسیتی در بهره‌مندی از خدمات باشد. جمعیت سالمندان کشور، ترکیبی نزدیک به هم از مردان و زنان دارد؛

گزارش روز



پیش‌بینی

نگاهی به ترکیب جمعیت مشهد بیندازید؛ از هر ۱۰ نفر، یک نفر بالای شصت سال سن دارد. به‌گواه آمار رسمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، سهم سالمندان از جمعیت زیرپوشش این دانشگاه به ۱۰/۳۲ درصد رسیده است و بیش از نیمی از این ۵۶۱ هزار سالمند رازنان تشکیل می‌دهند. پیش‌بینی‌ها از یک جهش جمعیتی در میان سالمندان حکایت دارد. سهم سالمندان از جمعیت کشور که هم‌اکنون حدود ۱۰ درصد است، تا سال ۱۴۴۰، دوبرابر خواهد شد و به مرز ۲۰ درصد خواهد رسید. یعنی در آن سال، ایران جمعیتی خواهد داشت که از هر پنج نفرش، یک نفر سالمند است. اما نکته تأمل‌برانگیزتر، شتاب این تغییر است. براساس پیش‌بینی‌های جمعیتی، ایران در فاصله سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۵۰، دومین کشور جهان در افزایش جمعیت بیشتر از شصت ساله‌ها و هفتمین کشور در افزایش جمعیت افراد بیشتر از شصت و پنج ساله خواهد بود. این درحالی است که کشورهای توسعه‌یافته، این تحول را طی دهه‌ها و با فرصتی کافی برای برنامه‌ریزی تجربه کردند. اما در ایران، این پدیده در بازه‌ای بسیار کوتاه‌تر رخ خواهد داد و پنجره سیاست‌گذاری و بسترسازی را به شدت محدود می‌کند. حال به این آمار و ارقام، این گزاره را اضافه کنید که سیاست‌های فعلی حمایت از سالمندان در کشور، نه تنها برای این موج جمعیتی آماده نیست، بلکه در مواجهه با جمعیت سالمند کنونی نیز با کاستی‌های جدی روبه‌روست؛ موضوعی که بازوی پژوهشی مجلس شورای اسلامی در گزارش تازه خود بر آن مهر تأیید می‌زند. مهم‌ترین مسئله‌ای که این گزارش بر آن انگشت می‌گذارد، فروکاستن مفهوم «سالمندی» به «دوران بازنشستگی» در قوانین و سیاست‌های کشور است، به‌گونه‌ای که نزدیک به نیمی از جمعیت سالمندان کشور که بازنشسته نیستند یا هرگز تحت پوشش بیمه قرار نداشته‌اند، از چشم قانون‌گذاران پنهان مانده‌اند. براساس داده‌های این گزارش که به تازگی منتشر شده است، در سال ۱۴۰۳ از جمعیت ۹ میلیون و ۸۸۱ هزار نفری سالمندان کشور، حدود ۲۰ درصد، یعنی نزدیک به ۳ میلیون نفر، به‌طور کامل از شبکه حمایت‌های بیمه‌ای و حمایتی نظام تأمین اجتماعی بی‌بهره‌اند. از هر سه سالمند، یک نفر، بی‌آنکه پشتوانه‌ای داشته باشد، با هزینه‌های رو به افزایش درمان، تورم و کهولت دست و پنجه نرم می‌کند. در مقابل، تنها حدود ۴۴ درصد از سالمندان تحت پوشش مستمری سه صندوق اصلی بازنشستگی کشور قرار دارند. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس را می‌توان روایتی از نابرابری‌های پنهان دانست که اگر شنیده نشود، در آینده نه چندان دور، با بحرانی انسانی در حوزه سلامت، رفاه و اقتصاد مواجه خواهیم شد.

حال سهم آن‌ها از مستمری‌های بازنشستگی، تناسبی با این جمعیت ندارد. این نابرابری، زنان سالمند را به جمعیت هدف نهادهای حمایتی مانند کمیته امداد هدایت می‌کند؛ جایی که حدود ۶۶ درصد مددجویان رازنان تشکیل می‌دهند.

حمایت بدون نیازسنجی

همان‌طور که گفتیم، زنان سالمند، سهم ناچیزی از مستمری بازنشستگی دارند و به نهادهای حمایتی پناه می‌برند. اما این نهادهای هم، خودشان با چالش دیگری روبه‌رو هستند. سیاست‌های حمایتی موجود سازمان بهزیستی و کمیته امداد که حدود ۲۶ درصد

راه‌هایی که باید رفت

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، با تمام نقدهایی که به وضعیت موجود وارد می‌کند، راهکارهایی هم پیشنهاد داده است؛ راهکارهایی که اگر اجرا شوند، شاید بتوانند تصویر ناامیدکننده‌ای را که تا اینجا ترسیم کردیم، تا حدی تغییر دهند. مهم‌ترین آن‌ها، تغییر نگاه سیاست‌گذاران است. از رویکردی که سالمند را موجودی آسیب‌پذیر و ناتوان می‌بیند، به رویکردی که او را شهروندی توانمند و فعال در نظر می‌گیرد. در این نگاه جدید، «سالمندی» نه یک بحران، بلکه یک فرصت است. این گزارش بر ضرورت ایجاد پایگاه ملی داده‌های سالمندان تأکید می‌کند؛ زیرا سیاست‌گذاری بدون داده‌های به‌روز و دقیق، مانند حرکت در تاریکی است. همچنین پیشنهاد شده است که مراکز خدمات‌دهنده به سالمندان، متناسب با آمایش سرزمینی و پراکندگی جمعیت در استان‌ها، توزیع شوند. از مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادشده در این گزارش، می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

۱- تغییر رویکرد از «سالمند ناتوان» به «سالمند توانمند»

به جای نگاه آسیب‌محور، سیاست‌ها براساس برنامه‌های راهبردی کشورهای در حال توسعه و با مشارکت خود سالمندان، تدوین شود.



۲- انتقال دبیرخانه شورای عالی سالمندان به وزارت رفاه

خروج دبیرخانه از زیرمجموعه بهزیستی، به‌عنوان یکی از مجریان و قرار گرفتن ذیل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌عنوان نهاد بالادستی تنظیم‌گر.



۳- تأسیس پایگاه ملی داده‌های سالمندان

ایجاد بانک اطلاعاتی متمرکز برای ثبت داده‌های سالمندان کشور؛ چون سیاست‌گذاری بدون داده‌های به‌روز، ممکن نیست.



۴- توزیع مراکز خدماتی براساس آمایش سرزمینی

تأسیس مراکز جدید و بازنگری در توزیع مراکز فعلی، متناسب با تراکم جمعیت سالمندان در استان‌ها و نیازهای واقعی هر منطقه.



۵- تغییر الگوی حمایت، از «فقرمحور» به «نیازمحور»

به جای نگاه صرف به درآمد، نیازهای خاص توان‌بخشی، پرستاری، فیزیوتراپی و تجهیزات کمکی را مبنای حمایت قرار دهیم.



۶- اولویت‌دهی به سیاست‌های حمایتی خانواده‌محور

به جای توسعه صرف مراکز شبانه‌روزی، با حمایت از خانواده‌ها، زمینه نگهداری سالمندان در بستر خانواده را فراهم کنیم؛ رویکردی که هم هزینه‌ها را کاهش می‌دهد و هم کرامت سالمندان را حفظ می‌کند.



نگاهی به وضعیت سالمندان کشور

جمعیت سالمندان از کل جمعیت کشور

۱۰ درصد

سالمندان محرومی که هیچ پشتوانه رسمی ندارند

۳۰ درصد

حداکثر پوشش بازنشستگی

۵۴ درصد

سالمندی در خراسان رضوی

جمعیت سالمندان استان

۷۶۲۰۰۰ نفر

سالمندان زیرپوشش دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۵۶۱۱۳۴ نفر

سهم سالمندان از جمعیت علوم پزشکی مشهد

۱۰/۳ درصد

شکاف جنسیتی در سالمندی به روایت آمار

سهم زنان از جمعیت سالمند کشور

۵۲ درصد

سهم زنان از بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی

۱۰ درصد

سهم زنان از بازنشستگان صندوق کشوری

۳۸ درصد

نرخ مشارکت اقتصادی زنان

۲۰ درصد

سهم زنان از مددجویان کمیته امداد

۶۶ درصد

۳ شنبه

۱۳ شهریور ۱۴۰۳
شماره ۴۴۸

۱۳



SHAHRAHNEWS.IR

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار

شهریار